

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هفتم، شماره ۲۴/۲۰۱ مرداد ۱۴۰۲ / ۱۵ اوت ۲۰۲۳

تمرد و مامور و معذور بودن

روی خون کسانی
که گسستی رقصیدی!

در این شماره می‌خوانید:

دادگاه نازی‌ها در نورنبرگ مامور و معذور بودن را از اعتبار ساقط کرد
مامورم و معذور یک اصطلاح غیر حقوقی برای توجیه عملی به ظاهر قانونی
مامور و معذور بودن در دادگاههای بینالمللی مورد پذیرش قرار نمیگیرد
تمرد از مافوق در نیروهای مسلح، در قوانین حقوقی و جزایی ایران
آیا مامور برای اجرای دستورات مافوقش واقعا معذور است؟

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تحریریه: نیره انصاری، علی‌اصغر فریدی، سیروان منصوری
صفحه‌بندی: ماهر خوش‌قدم
تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نیره انصاری

در اینصورت این عمل مشمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی نخواهد بود، اگر شخص متهم در هنگام ترمز دست به اسلحه برد یا سلاح خود را به مأمور نشان دهد در اینصورت مجازات شدیدتری در حق او اعمال خواهد شد و کلمه اسلحه شامل اسلحه سرد و گرم می‌شود، گرچه در آن زمان دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۶۵۷-۲۹ / ۱ / ۱۳۱۷ چاقو را اسلحه ندانسته بود!

۳- موضوع جرم: هرگونه حمله یا مقاومتی که در برابر مأمور دولتی که در حین انجام وظیفه اداری است صورت گیرد و فزاینده‌ی حمله و مقاومت، نشان از این امر دارد که ترمز باید ارتجالی باشد. یعنی ترمز پیش از انجام وظیفه متصور نیست، بل، باید مأمور وظیفه خود را آغاز کرده و حمله یا مقاومت پس از آن صورت گیرد. البته تشخیص زمان شروع وظیفه مأمور مهم است زیرا که در وظایف مختلف زمان شروع متفاوتی وجود دارد، ترمز نسبت به مأمور دولت اعم از آن است که مأمور دولت در مقام اعمال حاکمیت باشد یا اعمال تصدی. اما دیوانعالی کشور در رأی شماره ۳۰۹۶-۱۳۸۱/۱۲/۱۲ مقاومت و حمله در مقابل مأمور که تصدی‌گری می‌کند را مشمول ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی نمی‌داند، هر چند مأمورین شهرداری جزء مأموران دولتی می‌باشند. ترمز نسبت به مأموران شهرداری تابع قانون خاص می‌باشد و احکام ماده ۶۰۷ در مورد آنها جاری نیست، اگر حمله یا مقاومتی که در مقابل مأمورین

به هر گونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی، به طور تجربی نسبت به مأمورین دولتی، در حین انجام وظیفه آنها به عمل آید اصطلاحاً ترمز می‌گویند. ترمز و سرپیچی دو مفهوم متفاوت هستند. ترمز به معنای هر گونه حمله و یا مقاومت کردن در برابر انجام وظیفه مأمورین دولتی است. در حالی که سرپیچی به معنای نافرمانی کردن و سرکشی کردن است. به سخنی دیگر، ترمز به هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تعلق دارد.

عناصر ترمز عبارتند از:

الف) عنصر مادی؛ ۱- مرتکب: هر شخص حقیقی که در برابر مأمورین دولتی مقاومت و حمله از خود بروز دهد.

۲- رفتار مجرمانه؛ حمله و مقاومت در مقابل مأمورین دولتی که در مقام انجام وظیفه قانونی هستند می‌باشد.

جرم ترمز در صورتی تحقق می‌یابد که مأمور در حین انجام وظیفه اداری مورد حمله یا مقاومت قرار گیرد و انجام وظیفه با ترمز نیز رابطه داشته باشد (رأی شماره ۲۲۵۰-۳ / ۹ / ۱۳۸۱ دیوانعالی کشور) اگر ترمز در رابطه با انجام وظیفه اداری نباشد

دادگاه نازی‌ها در نورنبرگ مأمور و معذور بودن را از اعتبار ساقط کرد



صورت گرفته «دفاع مشروع» محسوب شود عنوان مجرمانه خود را از دست می‌دهد. یا مقاومت در مقابل قوای تأمینی و انتظامی را دفاع محسوب نمی‌شود، مگر اینکه مأمور از وظیفه خود خارج شده و یا بیم قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس در میان باشد که در این صورت دفاع مشروع بشمار می‌آید. البته برای تحقق این جرم مأمور دولتی نباید خود سبب حمله یا تحریک طرف مقابل شود که در اینصورت عنوان مجرمانه ترمرد را نخواهد داشت. همچنین اگر مأموری شبانه و در غیر موقع ضرورت وارد منزل دیگری شود مقاومت در مقابل وی را نمی‌توان مقاومت در مقابل مأمور دانست زیرا که از حدود قانونی خارج شده است. به استناد رأی شماره ۹۰-۱۴/۱/۱۳۸۱ دیوانعالی کشور.

۴- نتیجه مجرمانه؛ به صرف تحقق حمله یا مقاومت با شرایط یاد شده، همچون مأمور در حین انجام وظیفه اداری باشد و ترمرد در خصوص وظیفه اداری مأمور باشد، ترمرد صورت می‌گیرد. حال این حمله یا مقاومت متمرّد مانع انجام وظیفه مأمور شده و یا نشده باشد، تفاوتی در نتیجه ندارد.

ب؛ عنصر معنوی؛ سوءنیت عام یا قصد فعل که فرد قصد ارتکاب عمل را دارد و می‌خواهد در برابر مأمور که در حال انجام وظیفه است حمله یا مقاومت نماید. سوءنیت خاص که فرد با علم و آگاهی در مقابل مأمور دولتی ترمرد می‌کند، منظور از علم و آگاهی، علم موضوعی است. براین اساس جهل به قانون رافع مسئولیت مرتکب نمی‌باشد.

پس، اگر مأموری در هنگام انجام وظیفه «حکم» خود را ارائه ندهد و حمله یا مقاومتی صورت گیرد، این عمل جرم تلقی نمی‌شود. ج؛ عنصر قانونی؛ ماده ۶۰۷ «هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید ترمرد محسوب و مجازات آن هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد اما اگر متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد و در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود، در ضمن اگر متمرّد در هنگام ترمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

ترمرد نسبت به مأمورین از دیدگاه قانون کیفری در ایران

یکی از شرایط اساسی لازم برای تحقق این جرم در حال انجام وظیفه بودن مأمور دولت است مأموران مورد نظر چنانچه در حدود وظایف محول و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند، اعمالشان قانونی است و حمله به آنها یا مقاومت در برابر آنان در این حالت **ترمرد** محسوب می‌شود. اگر خارج از حدود وظایف و صلاحیت و اختیارات خود عمل کنند اعمالشان غیرقانونی است. در این فرض در مورد مقاومت در برابر آنها برخی معتقدند که مقاومت در برابر این گونه اعمال قانونی به طور مطلق جایز است و در مقابل بعضی عقیده دارند که هیچگونه مقاومتی

درمقابل مأموران دولت حتی اگر عمل آنان خلاف **قانون** باشد صحیح نیست. عده‌ای نیز راه میانه را برگزیده، بین موارد مختلف تفاوت قایل شده‌اند. **قانون** و رویه قضایی در ایران متمایل به نظریه سوم است در حقوق کیفری ایران مقاومت در برابر اعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی مأموران دولت نه تنها **ترمرد** به حساب نمی‌آید بل، در برخی موارد با جمع شرایط عنوان «دفاع مشروع» پیدا کرده است.

به طور کلی در مورد اعمالی که توسط مأموران دولت صورت می‌گیرد، سه فرض متصور است: فرض نخست؛ وقتی است که مأمور دولت در حالت عادی و بدون آن که در حال انجام وظیفه باشد مرتکب اعمالی شود که جرم است. در این حالت مأمور دولت ماهیتاً دارای خصوصیت و وجه تمایز نسبت به افراد دیگر نیست، بل، تنها به اعتبار انجام دادن وظیفه برای دولت از سایر اشخاص تمیز داده می‌شود. بنابراین وقتی در حال انجام دادن وظیفه نباشد، صرف مأمور دولت بودن، موجب برتری او نسبت به افراد عادی نمی‌شود و مقاومت در برابر اعمال مجرمانه او دفاع مشروع بوده و نیاز به بحث مستقل ندارد.

فرض دوم؛ وقتی است که مأمور دولت در حال انجام وظیفه باشد و در حدود وظایف محول و صلاحیت و اختیارات خود عمل کند. در این حالت، اقدامات او قانونی است و چون در مقام اجرای دستور مقام مافوق است، حمله یا مقاومت در برابر اقدام مشروع نبوده، ترمرد محسوب می‌شود. فرض سوم؛ زمانی است که مأمور دولت در حال انجام وظیفه باشد یعنی مجری امر مأمور قانونی باشد ولی خارج از حدود وظایف و صلاحیت و اختیارات خود عمل کند. در این حالت، اعمال او غیر قانونی و قابل تعقیب و مجازات محسوب و «دفاع مشروع» رخ می‌نماید.

در این باره ماده ۶۰۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در رابطه با ترمرد بیان کرده است، هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید ترمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است: «۱- هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از ۶ ماه تا دو سال؛ ۲- هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه سال و ۳- در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال.»

نافرمانی افراد در برابر مأموران تحت هریک از عناوین «حمله یا مقاومت» در حقوق کیفری در ایران با شرایطی موجب تحقق جرم ترمرد است. با توجه به اینکه ماده ۵۲ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و نیز ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی پاسخگوی ابهامات مربوط به جرم ترمرد نیست. جرم ترمرد نسبت به مأمورین از جمله جرایم غیرقابل گذشت می‌باشد. یعنی جنبه‌ی عمومی جرم پررنگ‌تر بوده و با گذشت شاکی خصوصی پرونده مختومه نخواهد شد. حال آنکه در مجازات ترمرد



نسبت به مأمورین باید تفکیک قایل شد. این مجازات زمانی که همراه با اسلحه باشد به مراتب شدیدتر و سنگین تر می گردد.

در صورتی که مجرم افزون بر ترمرد، مرتکب جرم دیگری به صورت همزمان گردد به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد. مانند جرم توهین یا ضرب و جرح.

حال پرسش ها این است: ۱- در صورتی که مأموری صلاحیت اقدام و انجام وظیفه نداشته باشد و در مقابل او مقاومتی رخ دهد، آیا جرم ترمرد صورت پذیرفته است؟ پاسخ خیر است. ترمرد زمانی مفهوم دارد که در مقابل مأمور صورت پذیرد که در حین انجام وظیفه بوده و به حیث قانونی صلاحیت مداخله و یا دستگیری دارد.

۲- آیا می توان ترمرد را به عنوان دفاع مشروع اثبات کرد؟

پاسخ مثبت است؛ چنانچه ثابت شود که ترمرد به عنوان دفاع مشروع به کار رفته مجازات جرم منتفی می گردد.

تعریف مأمور دولت

در این باره اداره حقوقی وزارت دادگستری نظریاتی را ارائه داده است از جمله؛ تا پیش از تصویب قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۰، ۱۰، ۱۰ در پاسخ به این پرسش که «آیا نیروهای بسیج ضابط قوه قضاییه هستند؟» نظریه شماره ۷/۹۲۲ مورخ ۱۱، ۴، ۶۷ آورده است با توجه به مواد ۳۵ و ۳۶ اساسنامه سپاه پاسداران در مواد ۱ تا ۵ اساسنامه، استفاده از بسیج به

حق دفاع مشروع در قانون مجازات اسلامی

رویه قضایی و آرای محاکم تالی و دیوان عالی کشور و دکتترین حقوقی در این موارد بر عدم احراز و تحقق جرم ترمرد نظر ارائه کرده اند، از جمله شعبه ۵ دیوان عالی کشور در رای شماره ۲۷۶۳ مورخ ۱۳۷۱، ۱۲، ۱۶؛ «هنگامی که در نظر دادگاه ثابت شد مأمور دولت برخلاف وظیفه عمل کرده است، ترمرد یا مقاومت در برابر او با ماده ۱۶۰

قانون مجازات عمومی قابل انطباق نیست. اقدام به ضرب و جرح متهم کند؛ یا مأمور بنا بر این نیروی انتظامی که در شب و بدون اجازه برای کشف جرم به خانه ای ورود می یابد، ترمرد یا مقاومت با او بزه تلقی نمی شود.» در حقیقت این رای بر «دفاع مشروع» منطبق است. همچنین شعبه ۸ دیوان عالی کشور در رای شماره ۳۳۵۹ مورخ ۱۳۳۴/۱۲/۲۹ گفته است: «اگر مأموران شهربانی، در ساعت ۱۰ بعدظهر (شب) به منزل متهم به دایر کردن شیره کش خانه وارد شده باشند و در پرونده، اشعاری به این که

موجبات قانونی برای ورود در شب بالاخص دستور ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق رعایت شده، نداشته باشد، در این صورت که برای ورود در منزل اشکال قانونی وجود داشته اصولاً تکلیف و وظیفه ای برای مأموران نمی توان قائل شد تا متهم طبق ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی قابل مجازات تشخیص گردد».

و یا اینکه ضابط دادگستری در مقام اجرای قرار تامین از حدود وظیفه خود خارج شده، اقدام به ضرب و جرح متهم کند؛ یا مأمور کشف قاچاق رعایت ترتیبات مقرر در ماده ۱۲ قانون مجازات مرتکبین قاچاق (مصوب ۹ اسفند ۱۳۱۲) را نکند و بدون حضور نماینده دادگستری یا شبانه برای کشف کالای قاچاق وارد منزلی شود. به همین جهت مأموری که از حدود وظایف خود عدول کرده است دارای مسئولیت کیفری و مدنی است، دفاع در مقابل اقدامات آنها مشروع خواهد بود کسی که مورد تجاوز قرار گرفته است می تواند از خود دفاع کند.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ را به مبحث «حق دفاع مشروع» اختصاص داده است.

موضوع دفاع در قانون جدید نیز طبق ماده ۱۵۶ این قانون: «جان، مال، ناموس، عرض و آزادی تن بیان شده است». برپایه ماده ۱۵۶ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا

قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد؛

ب) دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد؛

پ) خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد؛

ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود.

سربازان در حال خدمت در نیروهای مسلح، باید به دستورات مافوق خود اطاعت کنند. سرپیچی از دستورات مافوق در بسیاری از شرایط، جرم شناخته شده است و با جرم تمرد شناخته می‌شود با این حال، در برخی موارد، سربازان می‌توانند از دستورات مافوق خود سرپیچی کنند. برای نمونه، چنانچه دستورات مافوق با قوانین و مقررات کشور یا حقوق بشر در مغایرت و تضاد باشد، سربازان می‌توانند از آن دستور سرپیچی کنند. همچنین، در صورتی که دستورات مافوق موجب آسیب جسمی یا روانی به سربازان شود، آنان می‌توانند از دستورات مافوق خود سرپیچی کنند. بر این اساس سرباز زندان می‌تواند از ضرب و شتم زندانی سرپیچی کند. اما باید توجه داشت که این کار ممکن است به او عواقبی داشته باشد.

می‌دانیم که ضرب و جرح و شتم زندانیان در ایران یک مسئله جدی است و برخی از زندانیان به دلیل شکنجه و ضرب و شتم در زندان‌ها، جان خود را از دست داده‌اند.

اَعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی ماموران دولت و حق دفاع مشروع در قوانین بین المللی

در قوانین اساسی ۱۷۹۱ و ۱۷۹۳ میلادی فرانسه، تحت تاثیر افکار آزادیخواهانه قرن هجدهم، حق مقاومت و دفاع آحاد مردم در مقابل اَعمال خارج از حدود وظیفه و غیرقانونی ماموران دولت به روشنی پیش‌بینی شده بود. در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مصوب ۱۷۹۳ آمده است: «هر عملی که خارج از حدود و ترتیبات قانونی اجرا شود، مستبدانه و ظالمانه است و کسی که چنین عملی علیه او اجرا می‌شود، حق مقاومت و دفع و رد آن عمل را با قوه قهریه داراست.» این ماده مبنای توجیه مقاومت در برابر اَعمال خلاف قانون وسیله ماموران دولت در دیگر کشورها، از جمله در ماده ۳۷۹ قانون مجازات لبنان مجوز دفاع را با رعایت برخی شرایط برای کسی که مورد تهاجم غیرقانونی مامور دولت قرار می‌گیرد صادر کرده است. یا ماده ۲۱۲ قانون مجازات مصر اختصاصی به حق «دفاع مشروع» دارد.

در قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه، ماده ۲۰۹ آن هرگونه حمله و مقاومتی که با عنف و تجری نسبت به مامورانی که برای قانون و اوامر و احکام مقامات قانونی اقدام می‌کردند

به عمل می‌آمد تحت عنوان تمرد، جرم شناخته شد. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی، یا زمینی، اعضای ملل متحد باشد.

به موجب قانون جرائم سوئد هر عملی که خارج حدود و ترتیبات قانون اجرا گردد تحت عنوان «حق دفاع مشروع» قابلیت اجرایی دارد و کسی که چنین عملی علیه او اجرا می‌شود، حق مقاومت و دفع و رد عملی که با قوه قهریه همراه است را دارد.

همچنین منشور سازمان ملل متحد یک سند کامل و منسجمی است که حق دولت‌ها را در توسل به زور و تهدید محدود نموده است. به حیث مقررات حقوق بین الملل، دفاع ممکن است جنبه فردی و یا دسته جمعی داشته باشد. حق دفاع مشروع، بدین نحو است که کشور حمله شونده تنها و با به کارگیری نیروهای مسلح خود به دفاع از خویش می‌پردازد اما در دفاع مشروع گروهی، تعدادی از دولت‌ها بر پایه پیمان تدافعی که با یکدیگر منعقد نموده‌اند به حمایت از کشور حمله شونده برخاسته و به حمله مسلحانه پاسخ می‌دهند.

دو استثناء بر اصل منع توسل به زور وجود دارد، اصلی که حقوق بین‌الملل نوین در آن خلاصه می‌شود. یکی از اقدامات شورای امنیت می‌باشد. ماده ۴۲ منشور سازمان ملل متحد در این خصوص اعلام دارد: «در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ (اقدامات تحریمی و غیر مسلحانه) کافی نخواهد بود و یا ثابت شود که کافی نیست می‌تواند به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقداماتی که برای حفظ یا اعاده صلح و

دون پایه در اساسنامه رم مقرر می‌دارد که: «فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف نظامی را انجام می‌دهد، نسبت به جرائمی چون حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیرنظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست رژیم اسلامی برای سرکوب و به منظور ایجاد رعب و هراس در جامعه صورت گرفته باشد: [قتل، شکنجه، تجاوز جنسی، به کار بردن سم یا سلاح‌های سمی، استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد و ابزار مشابه، مسمومیت دانش آموزان دختر در مدارس دخترانه] استفاده از گلوله‌هایی که به آسانی در بدن انسان منبسط یا پخش می‌شود، بسیج اجباری کودکان (دانش آموزان) زیر ۱۵ سال و به کارگیری آنان برای مشارکت فعال در درگیری‌های داخلی یا در کارهای جنگی، توسط سازمان بسیج دانش‌آموزی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در درون حصار حاکمیت...» که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است و حسب مورد توسط نیروهای که تحت فرماندهی و کنترل موثر او یا تحت اختیار و کنترل موثر هستند، انجام یافته، واجد مسئولیت کیفری است. جرائم یاد شده مربوط به فعالیت‌هایی است که در حوزه مسئولیت و کنترل موثر مقام مافوق قرار داشته و اساساً مقام مافوق همه اقدامات لازم و معقولی را که در توان داشته، برای پیشگیری از وقوع جرم یا سرکوب آن یا طرح مساله نزد مقامات صلاحیت‌دار به منظور انجام تحقیق و تعقیب به عمل نیاورده است. بدین سیاق می‌توان گفت که

دفاع مشروع

دفاع مشروع (self-Defence) یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز در عرصه حقوق بین‌الملل بوده و هست. دفاع مشروع به منزله یک قاعده حقوقی و نیز به عنوان یک اصل کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده است و مورد قبول تمام نظام‌های حقوقی دنیا است. بر خلاف گذشته که دولت‌ها در توسل به **جنگ** اختیار کامل داشتند، یعنی هر وقت که تشخیص می‌دادند منافع آنها کاربرد زور را توجیه می‌کند به آن متوسل می‌شدند، امروزه طبق مقررات حقوق بین‌الملل فقط در موارد استثنایی و البته رعایت شرایطی می‌توان به زور متوسل گردید.

در حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع به معنای حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله‌ای مسلحانه به یک کشور تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید، است. در حقوق کیفری ایران، دفاع مشروع به معنای دفاع از نفس، ناموس، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که یکی از شرایط ذیل

فراهم باشد.
- وجود حمله مسلحانه؛
- تهدید جدی به زندگی، ناموس، مال یا آزادی تن دیگر؛
- تلاش برای پیشگیری از جرم.

در فرهنگ حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع به معنای «حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی» است. در صورت وقوع حمله‌ای مسلحانه به یک کشور تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید، است. به طور کلی، دفاع مشروع به دفاعی گفته می‌شود که در آن فرد به منظور دفاع از خود، دیگران یا مال خود، از نیروی فزاینده‌ای استفاده می‌کند. در صورتی که شخص در حال دفاع باشد و شرایط زیر را دارا باشد، دفاع او مشروع خواهد بود.

پایان سخن

در حقیقت آنچه جرم ترمد را به وجود می‌آورد، نافرمانی و بی‌اعتنایی نسبت به قانون است و اعمال قدرت در برابر مأموران دولت، وسیله بروز تظاهر این نافرمانی و بی‌اعتنایی است. پس وقتی مأمور دولت قانون را اجرا نمی‌کند و از حدود وظیفه خود خارج می‌شود یا از آن سوءاستفاده می‌کند، مرتکب عمل خودسرانه‌ای به ضرر شخص شده است و در نتیجه، وقتی شخص در برابر او ایستادگی می‌کند، در واقع در مقابل «نقض قانون» مقاومت کرده، نه در مقابل «اجرای قانون» و چنین مقاومتی نه تنها جرم نیست بل، کاملاً مشروع است، از این بیش حاکمیت اسلامی غیرمشروع است و ترمد مأموران از انجام وظایفی که مغایر حقوق بشر و حقوق شهروندان است عملی مشروع و قابل دفاع محاسبه می‌شود. از دیگر فراز هر اقدامی از سوی مردم برای برانداختن نظام غیر مشروع و استقرار یک نظام بر پایه عقلانیت عملی کاملاً مشروع است.

دفاع مشروع
به معنای «حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی»
در صورت وقوع حمله‌ای مسلحانه به یک کشور تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای اعاده و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید، است. به طور کلی، دفاع مشروع به دفاعی گفته می‌شود که در آن فرد به منظور دفاع از خود، دیگران یا مال خود، از نیروی فزاینده‌ای استفاده می‌کند. در صورتی که شخص در حال دفاع باشد و شرایط زیر را دارا باشد، دفاع او مشروع خواهد بود.

تجاوز قریب الوقوع و ناحق به نفس، عرض، ناموس، مال و آزادی تن خود یا دیگران
- عدم توانایی در جلوگیری از تجاوز با روش‌های قانونی
- عدم توانایی در جلوگیری از تجاوز با روش‌های غیر قانونی

به عبارت دیگر، دفاع مشروع، دفاعی است که در آن شخص به منظور دفاع از خود، دیگران یا مال خود، از نیروی فزاینده‌ای استفاده می‌کند و شرایط لازم برای تحقق آن رعایت شده باشد.

نخست؛ وقوع تجاوز مسلحانه باید محرز گردد؛

به عبارت دیگر، دفاع مشروع، دفاعی است که در آن شخص به منظور دفاع از خود، دیگران یا مال خود، از نیروی فزاینده‌ای استفاده می‌کند و شرایط لازم برای تحقق آن رعایت شده باشد.

نخست؛ وقوع تجاوز مسلحانه باید محرز گردد؛

به عبارت دیگر، دفاع مشروع، دفاعی است که در آن شخص به منظور دفاع از خود، دیگران یا مال خود، از نیروی فزاینده‌ای استفاده می‌کند و شرایط لازم برای تحقق آن رعایت شده باشد.

مامورم و معذور یک اصطلاح غیر حقوقی برای توجیه عملی به ظاهر قانونی



علی اصغر فریدی

هانا آرنت فیلسوف و تاریخ‌نگار آلمانی-آمریکایی و از بازماندگان نسل‌کشی یهودیان (هولوکاست) و یکی از مهم‌ترین اندیشمندانی که آرا و افکارش تأثیری ژرف در سده بیستم میلادی بر جای گذاشت، در جریان دادرسی به اتهامات آئشمن، به این نتیجه رسید که آئشمن، به هیچ وجه یک فرد «سادیس» یا «غیرعادی» یا بیمار نیست. آرنت همچنین معتقد بود که آئشمن حتی، با هیتلر، گوبلز و هیملر نیز فرق دارد و به شکل «ترسناکی یک انسان عادی و معمولی» است که از هرگونه نیات و انگیزه‌های بدخواهانه و یا باورهای ایدئولوژیک - مثل یهودی‌ستیزی، راسیسم و غیره - مبرا است. با این وجود این سوال برای آرنت به وجود آمد که چگونه و چرا، یک فرد عادی می‌تواند مرتکب چنین اعمال هیولوار و دهشتناکی بشود؟

هانا آرنت که در تمامی جلسات دادگاهی آئشمن در اسرائیل حضور داشت، حول شخصیت، خانواده و محیط پرورشی آئشمن شروع به تحقیق کرد. آرنت دریافت که آئشمن یک فرد عادی، باهوش، خوش فکر، پُرکار، جدی، منظم، قانونمدار و کارمندی وظیفه‌شناس بود که به قانون و مقررات احترام می‌گذاشت، در انجام وظایف شغلی تردید نمی‌کرد و دستورات و فرامین مافوق‌هایش را

دقیقاً انجام می‌داد تا در سلسله‌مراتب شغلی، به موفقیت‌های بیشتری نائل گردد.

به نظر آرنت، آئشمن موجود بی‌فکری بود که قدرت تشخیص خوب و بد را نداشته و قادر نبوده که خود را به جای دیگری، به‌ویژه قربانیانش بنشانند و از چشم آنها به نتایج کارها و عواقب اعمالش بنگرد. همین نیز سبب شد تا به یک جانی تبدیل بشود.

آرنت معتقد است، فرد حتی در جوامع توتالیتار از اختیار و انتخاب برخوردار است و در نتیجه باید مسئولیت اعمال و رفتارشان را بپذیرد. آرنت معتقد بود، این گونه افراد تنها کفایت بیندیشد، به ارزش‌های اخلاقی پایبند بمانند و وجدانشان را قاضی کند تا از پيله‌ی «مامور و معذوری» به‌درآیند و به مرتبه‌ی «مامور و مسئولی» برسد و خود را از استحاله به موجود «بی فکر» مصون بدارند.

با همین استدلال نیز آرنت، دفاعیه‌ی وکیل آئشمن، دال بر اینکه - او دندانه‌ای از یک چرخ دنده در ماشین عظیم نازیسم بود - را نمی‌پذیرد و بر حکم دادگاه - یعنی اعدام آئشمن - مهر تأیید می‌زند.

در رابطه با مسئله مامور و معذور بودن و تمرد از دستور مافوق در قوانین ایران، مجله حقوق ما با محمد مقیمی حقوقدان و فعال حقوق بشر مصاحبه‌ای انجام داده که متن کامل این مصاحبه به شرح زیر است.

تمرد از مافوق در نیروهای مسلح، در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران چگونه تعریف شده است؟

چه مجازاتی برای تمرد از مافوق در نیروهای مسلح، طبق قوانین تعیین شده است؟ کدام مواد قانونی به آنها اشاره دارد؟

ماده ۵۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می‌دارد: «هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن با علم و آگاهی در مقابل مأموران نظامی و انتظامی حین انجام وظیفه آنان مقاومت یا به آنان حمله نماید متمرّد محسوب و به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف - در صورتی که تمرد با اسلحه صورت گرفته باشد به حبس از دو تا پنج سال.

ب - در صورتی که تمرد بدون سلاح به عمل آید به حبس از شش ماه تا سه سال.

تبصره - اگر متمرّد در موقع تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد».

مساله مامور و معذور به چه شکلی در قوانین گنجانده شده است؟ آیا هیچ ماده قانونی که تمرد را در شریای حمایت کرده باشد، وجود دارد؟

مامور و معذور یک اصطلاح غیر حقوقی برای توجیه عملی است که ظاهر قانونی دارد، ولی در عمل خلاف اصول حقوقی یا شرع یا اخلاق یا وجدان یا عقل یا همه موارد پیش گفته باشد. با وجود این، مامور برای اقناع وجدان خود یا مردم یا افکار عمومی از آن استفاده می‌کنند. بنابراین، در راستای تمرد یا سرپیچی از اجرای قانون ناعادلانه نیست. البته باید میان جرم تمرد و نافرمانی

مدنی تفکیک قائل شد، چه اینکه تمرد یک جرم است، ولی سرپیچی از اجرای قانون ناعادلانه یا دستور فرمانده یا حاکم ظالم را باید در قالب نافرمانی مدنی ارزیابی کرد که نه تنها جرم نیست، بلکه یک حق بشری است.

پروسه رسیدگی به اتهامات در بحث تمرد به چه شکل است؟ آیا توسط دادگاه کیفری رسیدگی میشود یا دادگاه نظامی؟ آیین دادرسی در این زمینه به چه شکل است؟

رسیدگی به جرم تمرد اگر از سوی ماموران نیروی‌های مسلح ارتکاب یابد در صلاحیت



کشتار و سرکوب مردم می‌زند، نه تنها جرم نیست، بلکه امری پسندیده و شرافتمندانه است که باید آن را در قالب نافرمانی مدنی در نظر گرفت. البته قطعاً حکومت در رویارویی با این موارد با سختگیری بیشتری برخورد می‌کند که بتواند اقتدار و امنیت خود را حفظ کند.

در قوانین جمهوری اسلامی به روشنی ذکر شده است که نیروی مسلح در مواجهه با فرد مظنون باید سه بار فرمان ایست بدهد و در صورت بی‌توجهی، از کمر به پایین شلیک شود، اما در مواجهه با کولبران کرد و سوختبران بلوچ آنها مورد شلیک مستقیم قرار می‌گیرند، آیا این خود نقض قانون توسط نیروهای مسلح نیست؟ چرا طبق قانون با خاطیان برخورد نمی‌شود؟

بطور کلی موارد بسیاری بوده است که این سلسله مراتب قانونی برای استفاده از اسلحه از سوی ماموران نظامی و انتظامی رعایت نشده و بویژه در سرکوب مخالفان حکومت، دستگاه قضایی تحت امر جمهوری اسلامی جانب مامور خاطی را گرفته است. اما در خصوص کولبران و سوختبران، به شخصه بر این باورم که این موارد اساساً جرم نیستند، اگرچه قانونگذار آن‌ها را جرم‌انگاری کند. کولبری و سوختبری نتیجه بی‌عدالتی، تبعیض، ظلم و بی‌تدبیری است و راه حل آن اتخاذ تصمیم‌های درست سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. نه کشتار مردم کولبر یا سوختبر.

دادگاه نظامی است. ولی اگر از سوی اشخاص غیرنظامی ارتکاب یابد دادگاه‌های عمومی صالح به رسیدگی هستند.

مساله تمرد را در سرکوب معترضان چگونه می‌بینید؟ آیا مجازات سرپیچی از دستور مافوق در مسایلی مثل اعتراضات خیابانی سنگین‌تر است یا حکومت حساسیت بیشتری به این مساله دارد؟

همانطور که اشاره شد، در صورتی که سرپیچی در برابر قانون ناعادلانه یا دستور ظالمانه یا مقاومت در برابر تصمیم حکومت ظالم صورت پذیرد، بویژه زمانی که دست به



علی اصغر فریدی

به هیچ وجه این استناد مامور و معذور، مورد پذیرش قرار نگرفته و در مواردی که اجرای دستور به جنایت علیه بشریت و جنایات‌های جنگی منجر شده. متن نوشتاری و کامل این مصاحبه در زیر آمده است.

در پاسخ به این سوال که آیا، اطاعت از مافوق توجیهی برای سرکوب به دست نیروهای نظامی و انتظامی می‌دهد؟ و آیا جنایت آمر و عامل، مشمول گذشت زمان می‌شود؟ معین خزائی حقودان در مصاحبه با مجله حقوق ما پاسخ داد که، به هیچ وجه این قابل پذیرش نیست و قانون هم در این زمینه به صراحت اعلام می‌کند که اگر دستور مافوق غیرقانونی است یا برخلاف شرع است، هیچ الزام و اجبار قانونی برای مامور برای عمل به آن، ایجاد نمی‌کند و پذیرشی هم در این زمینه انجام نمی‌گیرد، یعنی اگر دستور غیرقانونی است و صادر شده است و مامور هم با اطلاع به غیرقانونی بودن دستور به آن عمل کرده است، در نتیجه مامور هم مشمول مجازاتی که به دلیل آن اتفاق غیرقانونی که رخ داده، خواهد شد. ما در زمینه حقوق بین‌الملل، در زمینه مربوط به دادگاه‌های بین‌المللی بخصوص دادگاه‌های بین‌المللی لاهه، دادگاه بین‌المللی کیفری، که اشاره شده است که در پرونده‌های حقوق بشری به ویژه در بحث‌های مربوط به جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، ما شاهد بودیم که در گذشته هم این رویه ادامه داشته و

تمرد از مافوق در نیروهای مسلح، در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران چگونه تعریف شده است؟ چه مجازاتی برای تمرد از مافوق در نیروهای مسلح، طبق قوانین تعیین شده است؟ کدام مواد قانونی به آنها اشاره دارد؟

براساس قانونی که در این زمینه وجود دارد، یعنی قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، تمرد از دستورات مافوق مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و برایش مجازات هم تعیین شده است. در این قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، در چندین ماده به بحث تمرد از مافوق یا جرایمی که به بحث امر آمر قانونی می‌پردازد، پرداخته شده است. البته ما در قانون مجازات هم موادی را در زمینه امر آمر قانونی داریم که در آنجا به شکل دیگری به آن پرداخته شده است. اما در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به عنوان مثال در ماده ۳۷ اعلام می‌کند که: هر نظامی که دستورات فرماندهان و مافوق خودش را لغو نکند، مجازات‌هایی را برایش پیش‌بینی می‌کند که به حبس از ۳ تا ۱۵ سال است، یا اگر جرم تمرد منجر

مامور و معذور بودن در دادگاه‌های بین‌المللی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد



به شکست جبهه اسلام شود، حتی به مجازات محاربه یعنی اعدام هم می‌تواند محکوم شود. اگر این ترمز منجر به این شود که نظم و امنیت کشور به شکل جدی به خطر بیفتد، باز هم به عنوان محارب مجازات اعدام یا حبس از ۲ تا ۱۰ سال خواهد داشت. ماده ۵۲ هم اشاره می‌کند که اگر هر نظامی از دستورات مافوق خودش ترمز کند و این ترمز به عنوان مقاومت در برابر نیروهای نظامی یا همراه با حمله باشد، به صراحت اعلام کرده که متهم محسوب می‌شود و مجازات‌هایی تعیین کرده که اگر ترمز با اسلحه صورت بگیرد، یعنی فرد متهم، با اسلحه خودش نسبت به مافوق خودش حمله کند یا در برابر دستورات مقاومت کند، به حبس از ۲ تا ۵ سال و اگر بدون اسلحه باشد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردد. در ماده ۷۸ هم این بحث مطرح شده است که به عنوان نمونه نیروهای نظامی گزارش‌های غلطی را به فرماندها خودشان ارائه دهند که این مساله هم به عنوان یکی از جرایم مطرح شده است که ممکن است زیرمجموعه ترمز محسوب شود و اگر این عمل موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی شود، مجازات محاربه خوانده می‌شود و حکم آن اعدام است، در غیر اینصورت ممکن است فرد به ۲ تا ۵ سال و یا ۳ ماه تا ۱ سال حبس محکوم شود. در عین حال روشن است که از منظر قوانین موضوعه در ایران، یعنی قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، ترمز از دستورات

مافوق مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و در برخی موارد مجازات‌های خیلی سنگینی هم برایش پیش‌بینی شده است.

مساله مامور و معذور به چه شکلی در قوانین گنجانده شده است؟ آیا هیچ ماده قانونی که ترمز را در شرایطی حمایت کرده باشد، وجود دارد؟

بر اساس ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، امر قانونی مقام مافوق برای یک نظامی تنها در زمانی مامور را از مسئولیت مبرا می‌کند که فعل ارتكابی، قانونی و دستور فرمانده هم مطابق با قانون باشد. یعنی در حقیقت بر اساس قانون آن مامور نظامی که موظف هست که دستورات مافوق خودش را در هر شرایطی اجرا کند مگر اینکه آن دستور، امر آمر قانونی یا امر مقام ذیصلاح نباشد، یعنی آن فردی که این دستور را صادر می‌کند، صلاحیت صدور دستور را در آن زمینه نداشته باشد. یعنی مثلاً یک مدیر دولتی در وزارتخانه نیرو یک دستوری را به یک نظامی بدهد، خوب مسلماً آن فرد اگرچه ممکن هست که مافوق هم محسوب شود، اما مقام صالح برای صدور چنین دستوری نیست. مساله دیگر این است که باید در شمار اموری باشد که آن امر صلاحیت صدور دستور آن را داشته باشد، یعنی مثلاً حتی در نیروهای نظامی هم ممکن است یک مافوق در زمینه خاصی صلاحیت و اجازه ورود نداشته باشد. نکته بسیار مهم این است که آن دستور باید در حیطه وظایف

مامور باشد و مامور هم موظف به اجرای دستور باشد یعنی مثلاً به عنوان نمونه اگر به یک ماموری که اساساً هیچ تخصصی در زمینه استفاده از یک اسلحه خاص یا تجهیزات خاصی را نداشته باشد و آموزش ندیده باشد، دستور به استفاده از آنها داده شود، مسلماً آن دستور قابلیت اجرا ندارد. مساله دیگر این است که باید آن دستور مطابق با قانون هم باشد یعنی اگر به عنوان نمونه یک مافوقی به مامور تحت امر خودش دستور دهد که به یک فرد بی‌گناه بدون هیچگونه دلیلی تیراندازی کند، آنجا ترمز از دستور مافوق قانونی محسوب می‌شود و مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد. مساله بسیار مهم‌تر هم که در قانون به آن اشاره شده است، بحث این است که آن دستور خلاف شرع هم نباشد که با توجه به اینکه در قوانین ما مساله شرع هم پوشش داده شده است، در نتیجه برخلاف قانون نبودن، کافی است. از این رو میتوان گفت آنجایی قانون‌گذار بحث ترمز مامور را مورد حمایت قرار داده که دستوری که از سوی مافوق صادر می‌شود به طور کامل برخلاف قوانین باشد و آن مقام هم در حقیقت اجازه صدور چنین دستوری را نداشته باشد. در چنین مواردی، ترمز مامور به هیچ وجه جرم محسوب نمی‌شود و قانون از آن ترمز، حمایت هم می‌کند.

بر اساس قانون، دادگاه نظامی یعنی دادگاه‌های زیرمجموعه سازمان قضایی نیروهای مسلح که دادرسی نظامی هم هست، صالح به رسیدگی به بحث ترمز هستند و قانون استنادی هم، قانون جرایم نیروهای مسلح خواهد بود و آیین‌نامه رسیدگی هم، آیین‌نامه رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح در بخش مربوط به قانون جرایم مجازات نیروهای مسلح در آیین دادرسی کیفری خواهد بود. اگر ترمز همراه با ارتکاب جرایم امنیتی باشد که در کتاب پنجم قانون مجازات یعنی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به اشاره شده است، وکیل متهم با استناد به همان تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی، باید از میان وکلای مورد تایید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد. یعنی نه تنها مورد تایید رییس قوه قضاییه، بلکه مورد تایید خود سازمان قضایی نیروهای مسلح هم باشد و در غیر اینصورت اگر از این جرایم نباشد، هر وکیلی می‌تواند وکالت متهم را برعهده بگیرد. در عین حال اگر در اثر ترمز، آسیبی هم به فردی برسد یا اموال عمومی و اموال شهروندان یعنی اموال خصوصی آسیب ببیند، این بخش از پرونده با استناد به قانون مجازات اسلامی و مجازات‌های پیش‌بینی شده در مورد آسیب به دیگران و جرح عمدی و یا حتی قتل عمدی، مورد بررسی قرار خواهد

پرونده رسیدگی به اتهامات در بحث ترمز به چه شکل است؟ آیا توسط

گرفت.

مساله تهر را در سرکوب معترضان چگونه می بینید؟ آیا مجازات سرپیچی از دستور مافوق در مسایلی مثل اعتراضات خیابانی سنگین تر است یا حکومت حساسیت بیشتری به این مساله دارد؟

نیاز هست یک توضیح کلی درباره بحث تهر داده شود. اساسا بحث تهر در منظر قانونی و حقوقی از بحث امر آمر قانونی می آید. بحث آمر قانونی در علم حقوق ۳ نظریه کلی دارد اینکه به چه صورت باید با امر آمر قانونی که در نیروهای مسلح به عنوان مافوق و در ادارات دولتی به عنوان رئیس و مسئول شناخته می شود، برخورد کرد. این سه نظریه کلی نتایج متفاوتی را هم دارد. نظریه اول بر بحث اطاعت کامل استوار است و اینجا اعلام میشود که مامور تکلیف دارد که قانونا دستور مافوق خودش را بدون هرگونه چون و چرا و هرگونه سوالی اجرا کند، چرا که هنجار قانونی و الزام قانونی و تلاش برای حفظ نظم موجود ایجاب میکند که ماموران دستورات مافوق خودشان را اجرا بکنند، در نتیجه بر اساس نظریه اطاعت کامل، هیچ موضوع دیگری اساسا نباید در این مساله دخیل باشد و هیچ اجازه ای هم به مامور برای تهر داده نمی شود و هیچ شرطی هم نباید وجود داشته باشد. اما نظریه دیگری هم وجود دارد و به عنوان نظریه بررسی اوامر آمر قانونی شناخته میشود، به این معنی که



ماموری که دستوری از طرف مافوق بهش داده می شود، باید این اجازه را داشته باشد که بتواند این دستور را بررسی کند و در صورتی که تشخیص دهد این دستور این امر غیرقانونی هست و مطابق با قوانین نیست، از اجرای آن خودداری کند که این نظریه مخالفانی هم دارد، به دلیل اینکه می گویند که این مساله اصلا نظم نظامی را از بین می برد. یک نظریه سومی هم وجود دارد که یک نظریه معتدل تر و میانی است و اعلام می کند که در آنجایی که دستور مافوق به طور خیلی واضح و مشخص، خلاف قانون است، مامور می تواند از اجرای آن خودداری کند که البته این هم باید در دادگاه ثابت شود، یعنی اگر در دادگاه ثابت شد که دستور غیرقانونی است، مامور تبرئه می شود. به نظر می رسد که در قوانین موضوعه در ایران، این نظریه سوم به نوعی به رسمیت شناخته شده است و اینکه مامور اگر در مواردی که تشخیص دهد که به طور کامل غیرقانونی است، میتواند اجرا نکند و بعدا هم به دلیل آن مورد بازخواست قرار نخواهد گرفت. با توجه به این ۳ نظریه، در بحث سرکوب معترضان، آنچه که در عمل اتفاق افتاده، مشخص هست که کاملا غیرقانونی بوده است، یعنی صدور دستور شلیک مستقیم به معترضان، آنچه که در سیستم و بلوچستان به صورت کشتار وسیع باهش روبرو بودیم یا تیراندازیهای دیگری که در شهرهای دیگر انجام گرفته است یا مثلا تیراندازیهایی که به چشم شده است، اینها

مسلمانان با مجوز مافوق بوده است. اینجا به نظر می‌رسد که ماموران از منظر قانونی، دست‌کم می‌توانستند از عمل به تیراندازی خودداری کنند، چرا که برخلاف قانون است، اما اگر پرونده‌ای تشکیل می‌شد که در این زمینه پرونده‌هایی هم تشکیل شده است و گزارش‌هایی وجود دارد که برای برخی نظامیان پرونده‌هایی تشکیل شده است، مسلماً دستگاه قضایی در ایران با توجه به آن که به هیچ وجه مستقل نیست و قوانین را هم اجرا نمی‌کند و از قوانین تخلف می‌کند، مسلماً به نفع آن مامور عمل نخواهد کرد و صدور حکم نخواهد کرد، اما قانوناً آنچه که از متن مشخص قانون روشن است این است که در چنین مواردی ماموران قانوناً می‌توانند خودداری کنند و نباید تحت پیگرد هم قرار بگیرند، اما متأسفانه ما شاهد این هستیم که نظام جمهوری اسلامی و به ویژه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و حفاظت‌های نهادهای نظامی با همکاری کامل دستگاه قضایی و سازمان قضایی نیروهای مسلح، حساسیت بسیاری زیادی روی این مساله دارند و به هیچ وجه این را نمی‌پذیرند و آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد، تخلف روشن از قوانین است.

نقش مامور و معذور را در مساله ترمرد چگونه می‌بینید؟ آیا صرف مساله اطاعت از مافوق توجیهی برای سرکوب به دست نیروهای نظامی

و انتظامی می‌دهد؟ آیا جنایت آمر و عامل، مشمول گذشت زمان می‌شود؟ به هیچ وجه این قابل پذیرش نیست و قانون هم در این زمینه به صراحت اعلام می‌کند که اگر دستور مافوق غیرقانونی است یا برخلاف شرع است، هیچ الزام و اجبار قانونی برای مامور برای عمل به آن، ایجاب نمی‌کند و پذیرشی هم در این زمینه انجام نمی‌گیرد، یعنی اگر دستور غیرقانونی است و صادر شده است و مامور هم با اطلاع به غیرقانونی بودن دستور به آن عمل کرده است، در نتیجه مامور هم مشمول مجازاتی که به دلیل آن اتفاق غیرقانونی که رخ داده، خواهد شد. ما در زمینه حقوق بین‌الملل، در زمینه مربوط به دادگاه‌های بین‌المللی بخصوص دادگاه‌های بین‌المللی لاهه، دادگاه بین‌المللی کیفری، که اشاره شده است که در پرونده‌های حقوق بشری به ویژه در بحث‌های مربوط به جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، ما شاهد بودیم که در گذشته هم این رویه ادامه داشته و به هیچ وجه این استناد مامور و معذور، مورد پذیرش قرار نگرفته و در مواردی که اجرای دستور به جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی منجر شده، مامور هم مسئول دانسته شده است. روشن است که به ویژه در بحث‌های مربوط به جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی ما شاهد این هستیم که به هیچ وجه این جنایت‌ها مشمول مرور زمان نمی‌شوند و هر آن و

برای همیشه، این امکان برای دادخواهی و رسیدگی به جنایت‌های هم آمر و هم عامل وجود دارد و پرونده‌هایی هم در این زمینه داشته‌ایم. در کشورها هم ما شاهد این هستیم که در عمل این اتفاق می‌افتد، مثلاً در خود سوئد هم در پروند حمید نوری دقیقاً این نشان دهنده این است که در جنایت علیه بشریت، گذشت زمان تأثیری در جلوگیری از رسیدگی قضایی و پیگرد و تعقیب کیفری آمران و عاملان، نخواهد داشت.

در قوانین جمهوری اسلامی به روشنی ذکر شده است که نیروی مسلح در مواجهه با فرد مظنون باید سه بار فرمان ایست بدهد و در صورت بی‌توجهی، از کمر به پایین شلیک شود، اما در مواجهه با کولبران کرد و سوختبران بلوچ آنها مورد شلیک مستقیم قرار می‌گیرند، آیا این خود نقض قانون توسط نیروهای مسلح نیست؟ چرا طبق قانون با خاطیان برخورد نمی‌شود؟

به این دلیل است که سازمان‌های نظارتی، یعنی خود نیروهای نظامی، فرماندهی‌های نظامی، در این زمینه حساسیتی به خرج نمی‌دهند و سازمان قضایی نیروهای مسلح، به عنوان سازمانی که وظیفه رسیدگی به این جرایم را دارد، به هیچ وجه حساسیت خاصی به این مساله ندارد، به ویژه در بحث

کولبران و سوختبران ما شاهد این مساله هستیم. اما گزارش‌هایی هم وجود دارد که در جریان خیزش زن، زندگی، آزادی در سال گذشته، پرونده‌هایی بر علیه نهادهای نظامی و امنیتی تشکیل شده و نتایجی هم داشته است و بازپرس‌ها هم همکاری کرده‌اند و بازداشت‌هایی هم در این زمینه صورت گرفته و با خاطیان برخورد هم شده است. اما رویه معمول و مشخص و روشن، این است که منفعت نیروهای نظامی در ایران ایجاب می‌کند که آزادی بیشتری داشته باشند و قانون نسبت به آنها، اعمال نشود. درحقیقت فرماندهان نظامی در ایران و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند که به دلیل نقض حقوق شهروندان، اگر برخوردی با نیروهای خودشان در این زمینه انجام دهند، بعداً ممکن است که آنجایی که نیاز به خشونت بالا دارند، این نیروها هم از دست زدن به خشونت خودداری کنند. من فکر می‌کنم این توجیه اصلی است که قوانین مربوطه در مورد به کارگیری سلاح و یا قوانین مربوط به جرایم نیروهای مسلح و یا قانون مجازات اسلامی، در مورد افراد مامور و نیروهای حکومتی که مرتکب جرمی علیه شهروندان می‌شوند، اجرا نمی‌شود این است که نمی‌خواهند این نیروها را از خودشان برنجانند و همواره می‌خواهند آنها را راضی نگه دارند، برای اینکه آنها هم در موقع لزوم با خشونت هرچه بالا با شهروندان برخورد بکنند.

مندرج در قانون برای متمردين، مجله حقوق ما این مسایل را با آقای «احمد حمید» حقوقدان و وکیل دادگستری در میان گذاشته است. متن کامل این گفتگو به شرح زیر است.



سیروان منصوری

قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در رابطه با ترمرد چه می‌گوید؟ آیا این قانون در قوانین حقوقی و جزایی کشور هم گنجانده شده است یا یک قانون جداست؟

در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در مورد ترمرد یا مقاومت در برابر ماموران نظامی و انتظامی در حین انجام وظیفه، ترمرد در قبال آنها را جرم تلقی می‌کند و مجازات‌هایی را برای کسی که مرتکب ترمرد میشود، تعیین کرده است. اگر ترمرد با اسلحه صورت گرفته باشد، مجازات مرتکب ترمرد حبس از دو تا پنج سال خواهد بود و در صورتی که عمل ترمرد یا مقاومت در برابر ماموران نظامی و انتظامی حین انجام وظیفه، بدون به کار بردن اسلحه انجام شده باشد، مجازات مرتکب از شش ماه تا سه سال حبس پیش‌بینی شده است. البته ناگفته نماند که این فقط مجازات ترمرد است، یعنی اگر عمل فرد به صرف ترمرد در مقابل نیروی نظامی یا انتظامی باشد، به این مجازات‌ها محکوم میشود و اگر در اثنای آن، جرم دیگری مثل ایراد ضرب و جرح و کشیدن اسلحه روی مامورین انجام دهد، یک مجازات جداگانه برای آن عمل هم در نظر گرفته شده است. بنابراین صرف ترمرد در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جرم است و ممکن هست تا پنج سال حبس هم داشته باشد و اگر در کنار آن، جرم دیگری ارتکاب شد، شخص مرتکب به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد

موضوع ترمرد در نیروهای مسلح، همواره بخشی از چالش جامعه ایران در مواجهه با مسایل روز بوده است، چرا که موضوع بهره‌گیری از سلاح توسط پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی، چگونگی و میزان بکارگیری آن، بحث مجازات سرپیچی و نافرمانی از امر مافوق و ایجاد یک تعادل در این زمینه، همواره در بحث‌های سیاسی و اجتماعی مطرح بوده است. در این میان حاکمیت با قانونی تحت عنوان مجازات جرائم نیروهای مسلح در ۱۳ فصل و ۱۳۷ ماده، به جزئیات این موضوع پرداخته و جرایمی را که شامل این مجازات‌ها می‌شوند به تفصیل بیان کرده است. اما از آنجا که به علت حاکمیت ایدئولوژیک مذهبی، فضای سیاسی جامعه همواره امنیتی بوده، بحث ترمرد از مافوق در شرایطی که در قوانین ذکر نشده و مساله مامور و معذور، همواره در میان کنشگران سیاسی و اجتماعی و حتی افراد نظامی داغ بوده است. مخصوصاً با گذری به تحولات اجتماعی اخیر و مخصوصاً تظاهراتها و تجمعها، همواره می‌بینیم که حکومت برای مقابله با آنها از زور و اسلحه استفاده میکند یا مواردی مانند کشتن کولبران کرد و سوختن بروج توسط مامورین انتظامی، که به یک مساله حاد در این مناطق تبدیل شده است.

با توجه به موارد فوق و حساسیت استفاده از اسلحه، قاعده آمر و عامل، مساله مامور و معذور و چگونگی حمل و استفاده از سلاح و مجازات‌های

ترمرد از مافوق در نیروهای مسلح، در قوانین حقوقی و جزایی ایران



شد. شبیه همین ماده در قانون مجازات اسلامی هم وجود دارد که برای افراد غیرنظامی نیز اگر در قبال مامورین در حین خدمت، ترمرد و مقاومت کنند، مجازاتی در نظر گرفته شده است. بنابراین قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح فقط در مورد افراد نظامی به کار می‌رود و برای افراد غیرنظامی هم در قانون مجازات اسلامی، شبیه همین قانون مجازاتی تعیین شده است.

مساله ترمرد را در سرکوب معترضان چگونه می‌بینید؟ آیا مجازات سرپیچی از دستور مافوق در مسایلی مثل اعتراضات خیابانی سنگین‌تر است یا حکومت حساسیت بیشتری به این مساله دارد؟

اگر از لحاظ قانونی صرف ما بخواهیم نگاه کنیم، آزادی تجمعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است و کسانی که بدون سلاح تظاهرات کنند یا تجمعاتی را برگزار کنند، در واقع قانون را نقض نکرده‌اند و حق اعتراض و تجمع را دارند. اما متأسفانه می‌بینیم در ایران، این تجمعات و تظاهرات‌ها به شدت و حتی با تیراندازی سرکوب می‌شود که این برخلاف قانون است و هرکسی هم که در این سرکوبها شرکت داشته باشد، چه نیروهای نظامی یا انتظامی، آمرین، مباشرین و حتی سربازانی که به سوی مردم تیراندازی می‌کنند، طبق قانون، قابل پیگیری و پیگرد هستند. کمااینکه دیدیم برای جرمی که ۴۰ سال پیش ارتکاب شده است، فردی مثل حمید نوری در سوئد، محاکمه و به خاطر جرمی که قبلاً در ایران مرتکب شده بود، محکوم شد و ایشان هم گفته بود که من یک مامور جزء بوده‌ام، اما به هیچ وجه اینها پذیرفته

نشد و نهایتاً محکوم شد. دولت در مقابل کسانی که در اعتراضات خیابانی مقاومت یا ترمرد می‌کنند یا از فرمان مافوقشان سرپیچی می‌کنند، ممکن است حساسیت بیشتری داشته باشد و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در مورد فرار یک سری مواد قانونی دارد، مثلاً اگر فردی در جبهه جنگ یا جایی که درگیری مسلحانه بوده، از دستور سرپیچی و فرار کند، مرتکب جرم شده است. یک ماده‌ای وجود دارد که می‌گوید: هر نظامی که در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار یا ضدانقلاب (حکومت در بسیاری موارد، از تظاهرکنندگان و اعتراض کنندگان به اسم خرابکار و ضدانقلاب و اشرار نام می‌برد)، از ماموریت در برخورد با اشرار، خرابکاران و ضدانقلاب فرار کند و یا منطقه درگیری را ترک کند، در حکم فرار از جبهه محسوب می‌شود و حسب مجازات مقرر در بخش فرار از جبهه، محکوم خواهد شد. در مورد فرار از جبهه هم یک سری مواد است که می‌گوید: مجازات حبس از شش ماه تا دو سال برای شخصی که فرار کند در نظر گرفته شده است و حتی گفته شده فرار از صحنه درگیری که شامل فرار از مواجهه به قول حکومت با ضدانقلاب و خرابکار میشود، اگر موجب شکست جبهه اسلام بشود، شاید حتی فرد فرار کننده از نیروهای نظامی و انتظامی، مشمول حکم محاربه شود و مجازات محارب هم بر آن فرد اعمال شود. بنابراین متأسفانه می‌بینیم با توجه به اینکه در هر تظاهرات و تجمعاتی به افراد شرکت کننده، از طرف حکومت عناوین خرابکار و اغتشاشگر نسبت داده میشود، مامورینی که دست به سرکوب نزنند یا از صحنه فرار کنند، ممکن است با مجازات‌هایی مواجه شوند.

مردمی که به صورت مسالمت‌آمیز تظاهرات میکنند از حق اساسی خودشان استفاده میکنند و مطابق قوانین بین‌المللی، قوانین حقوق بشری و حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این حقوق به رسمیت شناخته شده است و مادامی که اعتراضاتشان مسالمت‌آمیز و مقاومت مدنی است، می‌توانند این کار را انجام دهند و نیروهای سرکوبگر قابل محاکمه و پیگرد قانونی هستند. در کشورهای دموکراتیک در این زمینه، مجازات‌ها، محکومیت‌ها و حتی محرومیت‌هایی علیه سرکوبگران در ایران صادر شده است و احتمالاً اگر افرادی از آنها در این کشورها دستگیر شوند، ممکن است حتی تحت مسایلی از قبیل جنایت علیه بشریت محکوم شوند. بنابراین کار عاملان سرکوب در ایران که دستورها را هم اجرا میکنند، غیرقانونی است و باید روزی جوابگوی اعمال خود باشند.

در قوانین جمهوری اسلامی به روشنی ذکر شده است که نیروی مسلح در مواجهه با فرد مظنون باید سه بار فرمان ایست بدهد و در صورت بی‌توجهی، از کمر به پایین شلیک شود، اما در مواجهه با کولبران کرد و سوختبران بلوچ آنها مورد شلیک مستقیم قرار می‌گیرند، آیا این خود نقض قانون توسط نیروهای مسلح نیست؟ چرا طبق قانون با خاطیان برخورد نمی‌شود؟

در قانون جمهوری اسلامی نحوه استفاده از سلاح مشخص شده است، اینکه کجا و چطور باید از سلاح استفاده شود و قاعدتاً در برخورد با

نقش مامور و معذور را در مساله ترمرد چگونه می‌بینید؟ آیا صرف مساله اطاعت از مافوق توجیهی برای سرکوب به دست نیروهای نظامی و انتظامی می‌دهد؟ آیا جنایت آمر و عامل، مشمول گذشت زمان می‌شود؟

نقش مامور و معذور در این مساله قابل طرح نیست، یعنی کسانی که تظاهرات کنندگان مسالمت‌آمیز بدون حمل سلاح را که طبق قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران و قوانین بین‌المللی از حق مشروع خودشان برای تظاهرات استفاده میکنند را سرکوب می‌کنند، نمیتوانند بگویند که ما مامور و معذور هستیم و به سمت آنها شلیک کنند و آنان را بکشند. این مساله به هیچ وجه قابل توجیه نیست، ممکن است در ایران در حال حاضر با توجه به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و قوه قضاییه غیرمستقل، در مدت کوتاهی در دادگاههای ایران این مسایل قابل طرح نباشند، ولی در دادگاههای کشورهای دموکراتیک قابل طرح است و شخصی که مباشر است، دستور می‌دهد و شخصی که علیه تظاهرکنندگان جنایت میکند، نمیتواند از این بحث دفاع کند و جنایتش را توجیه کند. همانطور که دیدیم آقای حمید نوری سه دهه بعد از جنایتش در سال ۶۷، دستگیر، محاکمه و محکوم شد. بنابراین اینگونه جنایات شامل مرور زمان نمی‌شود و ممکن است افرادی که علیه تظاهرکنندگان دست به جنایت می‌زنند، چه آمر، عامل یا مباشر در این جنایات باشند، به دادگاه فراخوانده شوند و محاکمه گردند. بنابراین نقش مامور و معذور در اینجا مطرح نیست و اینها نباید به مردم شلیک مستقیم کنند، چون



افراد غیرمسلح که هیچگونه خطری برای مامورین نظامی و انتظامی نداشته باشند، نباید از سلاح استفاده شود. بنابراین استفاده از سلاح و آن هم سلاح جنگی کاملاً غیرقانونی است و نباید علیه افراد غیرمسلح استفاده شود. ولی متأسفانه نه فقط در مورد کولبران کرد یا سوختبران بلوچ، حتی در مورد تظاهرکنندگان هم این مسأله اعمال نمیشود و در جمهوری اسلامی استفاده از سلاح در شهرها و حتی در خیابانها صورت می‌گیرد و افرادی بدون اینکه اسلحه‌ای داشته باشند یا خطری متوجه نیروهای نظامی و انتظامی کرده باشند، مورد اصابت تیر جنگی قرار می‌گیرند و کشته میشوند و مثالی از این قبیل زیاد است. اگر بخواهیم از بدو انقلاب شروع کنیم، حمله به کردستان و یا سرکوب مردم محرمه (خرمشهر) در ۱۹۷۹ یکی از آن مسایلی است که متأسفانه در آن تاریخ در یک روز دویست نفر را بدون اینکه اسلحه داشته باشند، را می‌کشند. یا در موارد دیگر در دی ۹۶ یا آبان ۹۸ خیلی از تظاهرکنندگان را کشتند، مثلاً در نيزار معشور (ماهشهر) در اقلیم اهواز دیدیم که حتی با اسلحه سنگین جنگی و دوشکا به افرادی که در نيزار پناه گرفته بودند، شلیک کردند و خیلی از آنها را به خاک و خون کشیدند و صدها نفر را کشتند یا در جمعه خونین زاهدان نزدیک صد نفر را در یک روز کشتند و متأسفانه سلسله کشتار جمهوری اسلامی اگر برشماریم بسیار زیاد است و اینها کاملاً نقض قانون توسط نیروهای مسلح است و تمام کسانی که در این جنایات دست دارند، قابل پیگرد قانونی و محاکمه هستند. اما چون متأسفانه در جمهوری اسلامی قوه قضاییه مستقلی نداریم که به شکایات مردم رسیدگی کند، مادامی که جمهوری اسلامی سرکار است، در دادگاههای

قانون به کارگیری سلاح در اکثر موارد، در مواجهه با معترضان رعایت نمیشود، در سرکوب معترضان در سالهای گذشته دیده‌ایم با وجود آنکه آنها مسلح نبوده‌اند به آنها شلیک مستقیم شده و افراد زیادی کشته شده‌اند، چرا طبق قانون خود جمهوری اسلامی و قانون مجازات نیروهای مسلح با این افراد برخورد نمیشود؟ نقض قانون توسط خود نیروهای نظامی به چه معناست؟

همانطور که گفتیم اکثر تظاهرات در ایران به شدت سرکوب می‌شود و با تیر مستقیم به مردم شلیک می‌شود و با اسلحه‌های ساجمه‌ای به چشم مردم شلیک می‌شود و متأسفانه مجروحیت‌های شدیدی ایجاد می‌شود و خیلی‌ها نابینا شده‌اند. همه اینها برخلاف قانون است و نیروهای مسلحی که این اعمال را مرتکب می‌شوند قابل پیگرد قانونی هستند. البته متأسفانه در بیشتر موارد، نگاه امنیتی

است و خود کسانی که به مردم شلیک می‌کنند ظالمانه قضایی هستند، افرادی که باید پشتیبان مردم باشند، از حقوق مردم دفاع کنند و فضای امنی را برای مردم فراهم کنند تا اعتراضات خودشان را انجام دهند، متأسفانه به آلت سرکوب مردم بدل شده‌اند. این نیروها به عنوان آلت دست حکومت خودکامه درآمده‌اند و بر همان مبنا مردم را می‌کشند و اقدام به سرکوب می‌کنند و به پشتیبانی همین حکومت هم از مجازات فرار می‌کنند. یکی از عوامل اصلی این جنایات عدم وجود سیستم قضایی مستقل است که این سرکوبگران را مورد پیگرد قرار نمی‌دهد و به جای اینکه حافظ جان و ناموس و مال مردم باشد و از آنها دفاع کند، خودش آلت دست حکومت شده است و به جای ناقضان حقوق بشر، مردم را محکوم می‌کند. تا زمانی که این رویه در جمهوری اسلامی باشد، نقض حقوق بشر ادامه پیدا خواهد کرد و نیروهای سرکوبگر به هیچ وجه

جوابگو نخواهند بود. البته این پایدار نخواهد بود و یک روزی همه این نیروها و کسانی که علیه مردم دست به جنایت زده‌اند، در دادگاه محاکمه خواهند شد و باید در پیشگاه عدالت جوابگو باشند. می‌بینیم وقتی تظاهراتی در کشورهای اروپایی و کشورهای دموکراتیک می‌شود، پلیس به کمک مردم می‌آید و آنان را ساپورت می‌کند و فضای امنی را برای آنان مهیا می‌کند تا اعتراضات خودشان را داشته باشند و تظاهرات خودشان را برگزار کنند. در واقع وظیفه نیروهای انتظامی حمایت از مردم و اجرای یک فضای امن برای آنهاست تا اعتراضات را به صورت قانونی نشان دهند. اما متأسفانه نیروهای انتظامی ایران شریک جرم حکومت هستند و نمی‌توانند به مامور و معذور بودن استناد کنند و روزی در پیشگاه قانون محاکمه و مجازات خواهند شد.



سیروان منصوری

آیا مامور برای اجرای دستورات مافوقش واقعا معذور است؟



موضوع تهر در نیروهای مسلح، همواره بخشی از چالش جامعه ایران در مواجهه با مسایل روز بوده است، چرا که موضوع بهره‌گیری از سلاح توسط پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی، چگونگی و میزان بکارگیری آن، بحث مجازات سرپیچی و نافرمانی از امر مافوق و ایجاد یک تعادل در این زمینه، همواره در بحثهای سیاسی و اجتماعی مطرح بوده است. در این میان حاکمیت با قانونی تحت عنوان مجازات جرائم نیروهای مسلح در ۱۳ فصل و ۱۳۷ ماده، به جزئیات این موضوع پرداخته و جرایمی را که شامل این مجازاتها می‌شوند به تفصیل بیان کرده است. اما از آنجا که به علت حاکمیت ایدئولوژیک مذهبی، فضای سیاسی جامعه همواره امنیتی بوده، بحث تهر از مافوق در شرایطی که در قوانین ذکر نشده و مساله مامور و معذور، همواره در میان کنشگران سیاسی و اجتماعی و حتی افراد نظامی داغ بوده است. مخصوصا با گذری به تحولات اجتماعی اخیر و مخصوصا تظاهراتها و تجمعها، همواره می‌بینیم که حکومت برای مقابله با آنها از زور و اسلحه استفاده میکند یا مواردی مانند کشتن کولبران کرد و سوختبران بلوچ توسط مامورین انتظامی، که به یک مساله حاد در این مناطق تبدیل شده است

با توجه به موارد فوق و حساسیت استفاده از

اسلحه، قاعده آمر و عامل، مساله مامور و معذور و چگونگی حمل و استفاده از سلاح و مجازاتهای مندرج در قانون برای متمردين، مجله حقوق ما، این مسائل را با آقای «بابک دادجو» وکیل دادگستری در میان گذاشته و نظر ایشان را در این رابطه جویا شده است که متن این گفتگو به شرح زیر است.

تهر از مافوق در نیروهای مسلح، در قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران چگونه تعریف شده است؟

تهر از دستور مافوق را می‌توان اینگونه مطابق قانون تعریف کرد: یعنی فعل یا ترک فعل از سوی مقام مادی مخالف دستور قانونی مقام بالاتر در نیروهای مسلح، که این دستور شامل ابلاغ کلیه تدابیر، خطمشی‌ها، روش‌های جاری و دستوراتی راجع به اداره امور یگان‌ها و یا ملزم ساختن افراد جمعی یگان به انجام یا خودداری از انجام کلیه فعالیت‌هایی که برای وصول به اهداف تعیین شده یگان، ضروری تشخیص داده شده است و دارای ویژگی‌های خاص است که این تعریف حقوقی را می‌توان با مراجعه به موارد مختلف قانونی از جمله قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در مواد ۲۹ تا ۵۵ و همچنین آیین نامه این قانون در ماده ۳ و تبصره یک ماده ۶ یافت.

چه مجازاتی برای تهر از مافوق در
نیروهای مسلح، طبق قوانین تعیین
شده است؟ کدام مواد قانونی به آنها
اشاره دارد؟

در مورد تمرد از دستور مافوق، مجازات‌های گوناگونی با توجه به نوع تمرد و شرایط آن و نتایج در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، پیش بینی شده است. به عنوان مثال، در ماده ۲۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، بسته به نوع نتیجه، به تعیین مجازات اقدام شده است که چنانچه تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی سبب تسلط دشمن بر اراضی یا مواضع یا افراد خودی شود، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌گردد، مطابق قانون مجازات محارب اعدام است، که در اینجا واژه دشمن مطابق ماده ۲۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اینگونه تعریف می‌گردد: دشمن عبارت است از: اشعار، گروه‌ها و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند یا اقدامات آنان بر ضد امنیت ملی است. توجه به این نکته ضروری است که با ارائه چنین تعریفی از دشمن، حتی میتوان گروهی از مردم معترض را با تفسیری به نفع، از سوی جمهوری اسلامی، به عنوان برانداز یا افرادی که اقدامات آنها بر ضد امنیت ملی است، معرفی کرد که این نمودی از قانونگذاری توتالیتر از سوی نظام است.

مسئله مامور و معذور به چه شکلی در قوانین گنجانده شده است؟ آیا هیچ ماده قانونی که تمرد را در شرایطی حمایت کرده باشد، وجود دارد؟

مسئله مامور و معذور را طبق قانون جمهوری اسلامی ایران، میتوان اینگونه تفسیر نمود که اگر مقام رسمی، دستوری مخالف قانون و پروسه های قانونی دهد با توجه به مفهوم مخالف ماده

۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، مامور میتواند نسبت به آن سرپیچی کند و اجرا ننماید و مسئولیتی متوجه او نیست، اما اگر دستور غیرقانونی را اجرا نمود، مقام دستوردهنده و مأمور اجرا هر دو به مجازات مقرر برای آن جرم محکوم خواهند شد. این مورد یک استثنا هم دارد که اگر مامور، دستور غیر قانونی را با تصور اینکه قانونی است و به اشتباه اجرا کند، در صورتی که بتواند تصور و اشتباه خود را به اثبات رساند، مجازاتی در انتظار او نخواهد بود به عنوان مثال اگر مقام رسمی دستور دهد که به طور غیر قانونی یک نفر یا عده‌ای ضرب و شتم شوند و مأمور آن را اجرا کند هر دو یعنی هم آمر و هم مامور، به مجازات مقرر برای ضرب و جرح عمدی محکوم خواهند شد و اگر ضرب و جرح منجر به قتل عمد یک شخص یا عده‌ای شود اولیای دم مقتول با توجه به غیر قانونی بودن دستور، می‌توانند تقاضای قصاص مامور و همچنین مجازات تعزیری برای آمر یعنی دستوردهنده را داشته باشند.

همانطور که میدانیم در بسیاری کنوانسیونهای بین‌المللی که برخی از آنها را هم جمهوری اسلامی امضا کرده است، در مسایلی مثل جنایت علیه بشریت، آمر و عامل را متخلف میدانند. این خلا در قوانین ایران به چه شکلی پر شده است؟

جمهوری اسلامی با وجود آنکه اساسنامه رم که پایه‌گذار دیوان کیفری بین‌المللی است را در سال ۲۰۰۲ امضا نموده است، اما با توجه به اینکه تا موضوعات مورد بررسی این اساسنامه

به تصویب مجلس نرسد اجرا نخواهد شد، نه تنها برای تصویب آن از آن سال تا به حال اقدامی ننموده است بلکه آمار های حقوق بشری نشان میدهد جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر، موارد نقض آشکار مواد این اساسنامه را داشته است و توسط مأموران خود اجرا نموده است و سعی نموده با تصویب موادی در قالب منع شکنجه و اقرار تحت فشار و ممنوعیت تعرض و تجاوز به بازداشت‌شدگان و متهمین، به شکلی کاملاً دکوری در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به منصف ظهور رساند. در حالی که بسیاری از مواد همان قانون یعنی قانون آیین دادرسی کیفری، هرگونه شکنجه، تعرض، اهانت و رفتار های خلاف حقوق شهروندی برعلیه بازداشت‌شدگان را ممنوع کرده و بر حق ملاقات و داشتن وکیل و بهره‌مندی از دادرسی عادلانه و سایر حقوق متهمین تاکید دارد، اما در عمل این مواد صرفاً برای لاپوشانی اعمال وقیحانه ای است که برخلاف حقوق بشر در مورد افراد بازداشتی خصوصاً معترض و سیاسی و مطبوعاتی و خبرنگاران، بر خلاف قانون مدون خود جمهوری اسلامی ارتکاب می‌یابد.

جمهوری اسلامی سعی داشته خلاء قوانین جهانی حقوق بشری را در آیین دادرسی فقط به عنوان دکوری از رعایت حقوق متهمان به جهان نشان دهد، اما بی‌قانونی آشکار مأموران نیروهای مسلح و لباس شخصی، بازجو ها و بازپرس های امنیتی در برخورد با بازداشت‌شدگان کاملاً خلاف این قانون دکوری چیده می‌شود و به دلیل در دست داشتن تمامی قوا، اعم از آمر و مأمور، اثبات این بی قانونی‌ها و پیگیری این اقدامات تقریباً تحت نظام قضایی جمهوری اسلامی، غیر

ممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

پروسه رسیدگی به اتهامات در بحث تمرد به چه شکل است؟ آیا توسط دادگاه کیفری رسیدگی میشود یا دادگاه نظامی؟ آیین دادرسی در این زمینه به چه شکل است؟

مطابق ماده یک قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، پلیس قضایی، کمیته‌های انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح قانونی دیگر، بر طبق مواد این قانون، در صلاحیت دادگاههای خاص نظامی است.

پس اگر تمرد از سوی نیروهای مسلح در حین انجام وظیفه باشد، نیروی متمرکز ابتدا توسط دادرسی نظامی و شخص بازپرس نظامی مورد بازداشت و تحقیق قرار خواهد گرفت و سپس حسب جرم و میزان مجازات در صورت صدور قرار جلب به دادرسی، پرونده وی با صدور کیفرخواست به دادگاه نظامی دو و یا دادگاه نظامی یک ارسال خواهد شد. آرای صادره از دادگاه نظامی یک، که متضمن حبس بیش از ده سال یا اعدام باشد بهر حال قابل تجدید نظر خواهی در دیوان عالی می باشد اما آرای صادره در دادگاه نظامی دو قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است.

اما این موارد دارای یک استثنا هم می باشد: جرایم طلابان دادگستری که اکثرا نیروهای

مسلح هستند، در مقام ضابط اعم از نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام (تنها ضابط عام دادگستری، نیروی انتظامی است)، یا سایر نیروهای مسلح به عنوان ضابط خاص (طلابین خاص طلابینی هستند که در شرایط خاصی میتوانند به جای طلابین عام انجام وظیفه کنند مثلاً: در مواردی که جرم مشهود است و ضابط عام یعنی نیروی انتظامی حضور ندارد، مثلاً یک سرقتی از طلافروشی انجام میگیرد و فردی که ضابط خاص یعنی عضو ارتش یا سپاه، این سرقت را می بیند و نیروی انتظامی هم در مکان حضور ندارد، آن فرد به عنوان ضابط خاص می تواند وارد عمل شود و شخص یا اشخاص سارق را بازداشت کند. یعنی در مواردی که ضابط عام وجود نداشته و جرم مشهود باشد) در محاکم عمومی که شامل دادرسی عمومی، دادگاه کیفری دو و یک که مرجع تجدید نظر آن ها به ترتیب دادگاه تجدید نظر استان و دیوان عالی کشور می باشد، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. پس جرایمی که طلابین در مقام ضابط بودن انجام می دهند، در محاکم عمومی و نه دادگاه یا دادرسی نظامی، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. به عنوان مثال اگر یک پرسنل نیروی انتظامی در مقام بازداشت یک معترض در خیابان، باعث قتل شخص گردد، تحقیقات ابتدایی می بایست توسط دادرسی عمومی انجام گیرد و سپس اگر اتهام وی منجر به کیفرخواست شد به دادگاه کیفری یک ارسال می گردد که مرجع تجدید نظر آن هم دیوان عالی کشور خواهد بود.



ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net